

تک برگی راه کارگر

روزنامه سیاسی کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

یکشنبه آبان ماه 1382 - 9 نوامبر 2003 شماره 177

در این شماره:

عقب نشینی در خارج، سرکوب در داخل! رضا سپیدرودی

مخالفت با خصوصی سازی، شعاری راهبردی و با پتانسیل نیرومند تقی روزبه

اتحاد کارگران و مزد بگیران علیه بیکاری ضرورتی حیاتی است علی دماوندی

مراسم بزرگداشت صفرخان، اطلاعیه ها و پیام ها، اخبار، ایران در آینه آمار و

عقب نشینی در خارج، سرکوب در داخل!

رضا سپیدرودی

شکاف میان بحران مشروعیت رژیم فقها و نیرویی که قادر به سرنگونی بلافاصله آن باشد، در کنار فروپاشاندن چشم انداز آینده نظام، وزن فشارهای بین المللی و تأثیرات آن در سیاست داخلی را افزایش داده است. در این وضعیت اگر اصلاح طلبان حکومتی بهره برداری از فشارهای سیاسی اروپا و آمریکا در جهت امتیازگیری از رقیب و آمادگی مشروط برای همسویی با طیف استحاله در خارج از کشور در این راستا را در ترکیب با اعتراضات "بهداشتی"، "ادیت شده" و "شبه مدنی" نظیر "روزه سیاسی" و اقدامات نمایشی مشابه در پیش گرفته است، جوهر اصلی سیاست جناح تمامیت خواه را می توان در یک کلام خلاصه کرد: عقب نشینی و تسلیم در عرصه بین المللی، سرکوب و قلع و قمع در عرصه داخلی.

پذیرش امضای پروتکل الحاقی و اعتراف صریح خامنه ای به این که وی راسا در این زمینه تصمیم گیرنده بوده است، تحویل اسامی حدود 200 نفر از اعضای القاعده به سازمان ملل، شرکت در کنفرانس مادرید و وعده کمک 300 میلیون دلاری به بازسازی عراق، همکاری مرزی با اشغالگران و تاسیس پایگاههای کنترل عبور و مرور در مناطق مشترک مرزی عراق، اقداماتی است در جهت جلب رضایت "شیطان بزرگ" در بازگشت به پشت میز مذاکرات در ژنو فقهای حاکم امیدوارند که این عقب نشینی ها بتواند:

اولاً: از ائتلاف گسترده بین المللی علیه رژیم در زمینه فعالیت های هسته ای جلوگیری کند و فشارها را در این حوزه کاهش دهد
ثانیاً: مانع کانونی شدن اعتراضات در داخل و خارج از کشور در زمینه حقوق بشر و آزادی های دموکراتیک و ایجاد ریل تازه ای از فشارهای بین المللی در این عرصه گردد.

ثالثاً: سرپل های ارتباط فشارهای بین المللی و اعتراضات داخلی را با اصلاح طلبان حکومتی قطع کند و ابتکار عمل را همچنان در چنگ خود داشته باشد
رابعاً: زمینه مساعدتری برای تشدید سرکوب مخالفان در داخل کشور فراهم آورد.

در تحقق این هدف های چهارگانه، مایه امید فقها، سابقه وخیم آمریکا و مصلحت طلبی های اروپا در چشم پوشی بر نقض حقوق بشر بطور عمومی و در رابطه با رژیم جمهوری اسلامی بطور اخص است. به همان گونه که برای فقها، اسلام، قران و ارزش ها وسیله و بهانه کشتار مردم و سرکوب آزادی ها و تضمین ادامه نظام جباریت مذهبی است، حقوق بشر ابزار امتیازگیری و تحمیل سلطه آمریکا و باج خواهی اروپایی ها است. بنابراین فقهای حاکم عقب نشینی می کنند و امتیاز می دهند تا پرونده هایی نظیر قتل های زنجیره ای و حمله به کوی دانشگاه در داخل و پرونده میکونوس و انفجار آرژانتین و دهها اقدام تروریستی دیگر در خارج بازگشایی نشود و حقوق بشر که پاشنه آشیل نظام است به محور تازه ای برای اعمال فشار بر رژیم و استقبال جهانی از خواست محاکمه رهبران جمهوری اسلامی در دادگاه بین المللی جنایت علیه بشریت تبدیل نگردد. وحشت فقها در این زمینه به حدی است که گفته میشود در آستانه سفر نماینده ویژه سازمان ملل در امور آزادی بیان حتی شنابزده و در یک شگرد تبلیغاتی اقدام به خراب کردن سلول های انفرادی در زندان های تحت امر سازمان زندان ها کرده اند.

فشارهای بین المللی بر علیه رژیم از بنیاد پوسیده فاهنتی در غیاب یک جنبش پردامنه آذیخواهی اگر چه ممکن است شکل انقیاد را تغییر دهد، اما لزوماً به رهایی مردم منجر نمی شود. اعمال فشار قدرت های بیگانه بر قدرتی که با مردم ایران بیگانه است، تنها به شرطی میتواند مستقل از نیات مجموعه این

قدرت ها و بازي هاي آنها به عنوان وسيله اي در مسير رهايي مردم قابليت بهره برداري كسب كند كه مقدم بر آن، جنبش معطوف به سرنگوني رژيم فقا، نه فقط در داخل، كه همچنين در سطح بين المللي موجوديتي توانمند و حقانيتي انكارناپذير كسب كند. شتاب دادن به روند هم گرايي نيروهاي دمكرات و همسويي نيروهاي چپ و دمكرات در عرصه اقدام عليه نقض حقوق بشر در ايران، كارزارهاي پردامنه براي آزادي بي قيد و شرط كليبه زندانيان سياسي و عقيدتي، گسترش نافرمانی مدني و تمرکز جدي و فوري بر ايجاد هسته هاي مقاومت مدني در سراسر ايران، در شرايط كنوني برخي حلقات اصلي تمرکز در جهت اين توانمندسازي است.

مخالفت با خصوصي سازي، شعاري راهبردي و با پتانسيل نيرومند تقی روزبه

t.roozbeh@freenet.de

گرچه اعتراض كارگران و كاركنان سه مجتمع استراتژيك پتروشيمي ار اك، خاراك و اصفهان با توليداتي بالغ بر چند ميليون دلار در روز عليه خصوصي سازي و انتقال كاركنان آن به بخش غير دولتي درمیان امواج رویدادهای دیگر پژواکی درخور نیافته است، و رویدادهایی چون مجادله مجلس و دادستانی حول پرونده زهرا کاظمی، سخنان خامنه ای مبنی بر آن که سرکشیدن جام زهر پروتکل الحاقی با اذن و موافقت وی صورت گرفته است، ورود نماینده سازمان ملل برای بررسی وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی آن هم پس از یک عقب نشینی بزرگ، و یا الم شنگه ای که حزب اللهی ها و حامیانشان در پی تسلیم رهبرشان برای سرخ نشان دادن صورت رنگ پریده خود حول دست دادن شیرین عبادی با یک مرد سالخورده (محمد ملکی) بپا کرده اند و ... موجب انعکاس کم دامنه حرکت اعتراضی کارکنان پتروشیمی شده است، اما این بهیچ وجه به معنای کم اهمیت بودن آن نیست. و اگر در نظر بگیریم که شروع اعتراضات بزرگ دانشجویی-مردمی خردادماه امسال از کوی دانشگاه تهران نیز در اعتراض به زرمه خصوصي سازي دانشگاه صورت گرفت و بخاطر داشته باشیم که یکی از مطالبات جنبش اعتراضی پرستاران، مخالفت با خصوصي سازي بیمارستان ها و واگذاری عرصه بهداشت به "انصاف بازار" برای تنظیم عرضه و تقاضای آن می باشد و بالآخره اگر مخالفت بی وقفه با خصوصي سازي کارخانه های بزرگ را در طی سال های اخیر توسط کارگران شاغل آن ها در نظر بگیریم، معلوم می شود که این شعار علیرغم آن که عموماً در قالب اعتراض های پراکنده و یا بعضاً در کادر منافع شغلی کارگران و کارکنان بخش مربوطه صورت گرفته و می گیرد، و عموماً هم متعلق به بخش های دولتی و واحدهای تولیدی و یا خدماتی متعلق به آن است، اما در ماهیت خود یک شعار بنیادی با پتانسیل سراسری بوده و با سرنوشت میلیون ها زحمتکش و جوانان بیکار خاموش و غیرخاموشی گره خورده است که سپردن آن به دست "نامرئی بازار" ارمغانی جز تباهی و فلاکت بیشتر برای آنها به همراه نیابورده و نخواهد آورد. بنابراین نمی توان منکر توان بالقوه نیرومند و بسیج کننده شعار فوق شد. مطرح شدن و فراگیر گشتن مطالبه فوق در عین حال می تواند مدعیان مدافع دموکراسی را در برابر آزمون بزرگی قرار دهد و با به چالش طلبیدن ادعاها و صف آرایی های کاذب و دهان پرکن و متمایز ساختن صف دوستان و دشمنان کارگران و زحمتکشان، به قرار گرفتن صف آرایی ها برپایه یک میارزه راستین ضد استبدادی-مطالباتی یاری رساند. نگاهی به مخالفت کارگران و کارکنان با خصوصي سازي و ظرفیت های نهفته در این شعار و واکنش های گوناگونی که بر انگیزته و بر می انگیزد، بعنوان برشی از وضعیت، شاخص خوبی است برای به نمایش گذاشتن سمت گیری جریان های مختلف اجتماعی، توانائی ها و ناتوانائی های جنبش کارگری و شرايطی که مزد و حقوق بگیران در آن قرار دارند که به نوبه خود جستجو برای یافتن راه کارهایی برای خروج از وضعیت آچمز کنونی را در برابر جنبش های کارگری و زحمتکشی قرار می دهد. در اینجا نگاهی داریم به چند نکته در این باره:

الف- مقابله با خصوصي سازي در ماهیت خود شعاري است عليه یکی از سیاست های اصلی و کلان دولت جمهوری اسلامی. بنابراین در کنه خود یک مطالبه کلان و راهبردی بوده و با اتکاء صرف به مبارزه منفرد و محلی قابل حل و فصل نیست. اگر هم در این یا آن مورد بنا به ملاحظات معطوف به استراتژیک بودن این یا آن واحد و یا شاخه صنعتی، سردمداران نظام به مانورها و عقب نشینی هایی مبادرت ورزند، با احتمال زیاد یک عقب نشینی ناپایدار و شکننده است.

ب- از آنجا که اصل سیاست خصوصي سازي صرفنظر از نحوه و جنبه های اجرائی آن و صرفنظر از این که خصوصي سازي در جمهوری اسلامی چه معنای عملی و مشخصی دارد- در مجموع با اجماع همه جناح ها همراه است، بنابراین مبارزه عليه آن با سد کل حاکمیت مواجه است. با این تفاوت که در حال حاضر این جناح اصلاح طلب است که بعنوان حامی پر و پا قرص سیاست خصوصي سازي، با در دست داشتن دستگاه اجرائی بطور مستقیم و بیواسطه در برابر خواست کارگران قرار دارد. و همین مسأله فرصت هایی هر چند گذرا برای عوامفریبی و مانور های بشدت ریاکارانه جناح تمامیت خواه و نهادهای وابسته به آن در میان کارگران و کلیه مزد و حقوق بگیران فراهم می آورد تا در شرايطی که حاکمیت دچار شکاف بوده و جناحی مظهر سرکوب بیشتر و جناح دیگری مظهر سرکوب کمتر قلمداد می گردد، بر بفرنجی شرايط برای پیشبرد این مطالبات بیافزاید. که خنثی سازی آن خود مستلزم تنظیم هرچه دقیق تر خطوط تاکتیکی معطوف باین مبارزه است.

ج- در بیرون از حاکمیت، نیروهای اپوزیسیون قانونی و یا اپوزیسیون غیر قانونی و مدافع خصوصي سازي، به دو دلیل در حمایت از این حرکات دچار لکننت زبان هستند. نخست بدلیل آنکه آماج نخست این گونه مبارزه طلبی مزد و حقوق بگیران، در وجه بارز خود آن بخش از حاکمیت است که اینان در نیل به "آزادی و دموکراسی" به او دخیل بسته اند و دیگر آنکه در کائنات نظری و اندیشگی آنان، خصوصي سازي مترادف با دموکراسی است. این اندیشه تا مغز استخوان این باصطلاح حامیان دموکراسی از اکبر گنجی گرفته تا عقبه اصلاح طلبان در خارج کشور و مدافعان نئولیبرالیسم جهانی، ریشه دوانده است.

د- حرکت اعتراضی کارگران و کارکنان پتروشیمی، همانند سایر لایه های مزدو حقوق بگیر، نشان دهنده این واقعیت مهم است که کارگران و زحمتکشان عموماً از طریق دفاع از مطالبات زمینی و بیواسطه خود به تقابل با استبداد برمی خیزند. برای آنان- بگونه ای متفاوت از ادعاها و یا تصورات روشن فکران و نخبه گان سیاسی- آزادی مجرد و بی ارتباط با مطالبات مشخصشان وجود خارجی ندارد و یا اگر وجود داشته باشد آنان از طریق مطالبات اخص خود و در پیوند با آن ها بدان سو رهسپارند. برای آنان جنبش ضد استبدادی یک بعدی و متکی بر خواست یا خواست های سیاسی صرف، نه وجود خارجی دارد و نه اگر وجود داشته باشد پاسخ دهنده مطالبات آنان است. در واقعیت امر ما با جنبش های اجتماعی- مطالباتی گوناگون و چند بعدی مواجه هستیم که مبارزه برای آزادی و دموکراسی بعنوان یک راهبرد عمومی، تنها می تواند در ترکیب با آن ها و بعنوان حلقه پیوند این جنبش ها و مطالبات با یکدیگر معنا داشته باشد. اگر برآستی به پلورالیسم بعنوان سنگ بنای دموکراسی باور داریم و اگر تشکل یابی زحمتکشان را از پیش شرط های اساسی جامعه مدنی می انگاریم، پس نباید ذره ای در حمایت و تقویت این گونه جنبش ها تردیدی روا داریم. و این البته به معنای تقویت

الگوی مبتنی بر جنبش جنبش ها-جنبش مرکب- در برابر الگویی است که بر منجمد ساختن مطالبات اجتماعی بسود یک جنبش تک بعدی و ضد استبدادی صرف اصرار می ورزد.

ه- مبارزه علیه خصوصی سازی همان گونه که اشاره شد یک شعار راهبردی است که در محتوای خود علیه نظام حاکم و بطریق اولی علیه هر دو جناح و فراتر از آن علیه سمت گیری سرمایه دارانه بوده و معطوف به جهانی دیگر است. بنابراین تقلیل آن به دعوی بین جناح ها به معنای تهی ساختن آنست. و همان طور که در عرصه سیاسی، جنبش ضد استبدادی با عبور از سبک معیوب گریش بین بد و بدتر، و با تحریم هر دو جناح ناگزیر است با گشودن راه سوم، کلیت نظام حاکم را به چالش بکشند و بدین گونه راه پیشروی خود را بگشایند، در حوزه مبارزه با سیاست خصوصی سازی نیز جنبش کارگران و زحمتکشان نهایتاً جز از طریق برپا کردن و تقویت تشکل های مستقل و نیرومند خود و جز با تشکیل یک دولت برآستی دموکراتیک که خود را در برابر خواست ها و نیازهای شهروندان پاسخ گو بداند، و جز با دست اندازی به قلمرو ممنوعه اقتصاد و تسری موازین دموکراسی بحیطه آن، قادر نخواهد بود که مبارزه علیه خصوصی سازی به معنای واقعی را در راستای منافع اجتماعی خود سوق دهد.

و- همان طور که می دانیم سرمایه داری جهانی در فاز نوین و در طی یک تعرض نئولیبرالیستی با تمام توان خود مشغول بازپس گیری و یا محدودساختن دستاوردهای جنبش کارگری و آزادی های مدنی و سیاسی، بسود تقویت انحصارات خصوصی و فراملیتی بوده و دموکراسی و خصوصی کردن کامل را که مترادف با حذف بسیاری از وظایف اجتماعی و نظارتی دولت در قبال شهروندان عادی و بازگذاشتن میدان تاخت و تاز در برابر این شرکت ها است- دو روی یک سکه و احد معرفی می کند. گرچه افزایش روز افزون شکاف های طبقاتی و جهانی کردن ابعاد فقر و فلاکت و نیز محدود شدن دامنه آزادی از نتایج محتوم این سیاست است، اما هیچکدام از آن ها باعث نمی شود که سرمایه داری برای فرار از بحران ساختاری و برای تأمین نرخ سود بیشتر از اقدامات خانه خراب کن خود کوتاه بیاید.

فرایند حاکم بر جهان تأثیر خود را بر روندهای داخلی کشور بر دوگونه اعمال می کند: یکبار با حمایت از سیاست های اقتصادی خصوصی سازی رژیم و تشویق آن به پیگیری بیشتر این سیاست و یکبار با مسکوت گذاشتن و عدم بازتاب فجایع بشری این سیاست و اعتراضاتی که علیه این خصوصی سازی صورت می گیرد. آری آنان در برابر این گونه مطالبات مردمی، نظیر مطالبات اخیر صنایع پتروشیمی، ثقل سامعه تحسین انگیزی را از خود به نمایش می گذارند. حمایت آنان از جنبش های اعتراضی همان گونه که در مورد جنبش دانشجویی نیز شاهد بودیم مشروط است. مشروط به آن که نسبت به مقدسات نظام سرمایه داری تعرضی صورت ندهند.

بدیهی است در چنین وضعیتی جنبش مقابله با خصوصی سازی اگر بخواهد که یارای ایستادگی در برابر این سیاست ضد کارگری، سیاستی که در عین حال متضمن تعرض عمومی به سطح زندگی و حقوق مدنی اکثریت قاطع شهروندان کشور است، راهی جز نیرومند تر کردن خود و پرتنین تر ساختن صدای خود از طریق غلبه بر پراکندگی و تقویت همبستگی طبقاتی ندارد.

نا همزبانی و ناهمزمانی

بی تردید مهم ترین ضعف جنبش کارگران و زحمتکشان را در شرایط کنونی باید پراکندگی آن دانست. معنای این سخن آنست که اعتراضات متعدد و دایمی وجود دارند و کم هم وجود ندارند. اما پراکنده بوده و خود را در ناهمزمانی و نا همزبانی این حرکات نشان می دهد. پدیده ای که رژیم را قادر می سازد این حرکات اعتراضی را علیرغم وفورشان در هم شکسته و خفه سازد.

بدون اینکه بخواهیم دخالت عوامل گوناگونی چون سرکوب، نقش مخرب تشکل های کارگری و وابسته به رژیم، ضعف تشکل های مستقل، بحران عظیم ساختاری در اقتصاد و وجود انبوه ارتش ذخیره کار و ضعف پیشروان کارگری و یا مهاجرت عظیم به شهرها و گسست سنت مبارزاتی کارگران و کم کاری روشنفکران و نیروهای مدافع طبقه کارگر و... را در بوجد آمدن این وضعیت نادیده انگاریم، و یا با ساده نگری به تحلیل تک علتی در بررسی این معضل پیچیده فرو غلطیم، اما باید پذیرفت که در تحلیل نهائی عملکرد این عوامل گوناگون خود را در ضعف همبستگی طبقاتی کارگران و زحمتکشان نشان می دهد. "طبقه برای خود" در معنای تجربیدی و تاریخی یک مقوله است و اینکه بطور مشخص و عینی در یک جامعه معین ناچه حد هستی و فعلیت پیدا کرده باشد چیز دیگری است. بی تردید، وجود شکاف ها و گسست های متعددی در میان مزد و حقوق بگیران جامعه ما، از مهم ترین موانع قوام یافتگی طبقاتی و بروز همبستگی در میان طیف گسترده و پراکنده مزد و حقوق بگیران کشور بشمار می آید. که بازتاب آن را می توانیم در اتکاء بک جانبه به ابراز و اکتش های اعتراضی در سطح واحدها و بسنده کردن به پی گیری منافع کوچک و محدود این یا آن بخش معین و یا در بهترین حالت مطالبات رسته ای و صنفی این یا آن بخش کارگری مشاهده کنیم. تمرکز یک جانبه بر روی حفظ این یا آن امتیاز موجود و یا کسب این یا آن امتیاز کوچک، مبارزات کارگران را پراکنده ساخته و بیش از حد لازم به آن رنگ و بوی محلی و رسته ای داده و موجب محدود نگری و از دست دادن افق و مبارزه مشترک برای منافع مشترک و لاجرم ناکامی این طبقه حتی در دست یابی و یا حفظ همان مطالبات خرد و اولیه شده است. طرح ضرورت فراروی از خواسته ها و حرکت های منفرد و دعوت به مبارزات مشترک حول منافع و مطالبات مشترک، به معنی نفی ضرورت و حتی انکار برخی دست آوردهای این گونه اعتراضات در واحدهای منفرد و یارسته ای نیست. بحث بر سر آنست که پیوند آن ها با حرکت های بزرگ به کارگران و زحمتکشان قدرت چانی زنی می دهد که در شرایط کنونی وجود ندارد. بدیهی است که نقد کم افقی حاکم بر کارگران و درک ضرورت مقابله با آن، موجب تقویت همبستگی طبقاتی مزد و حقوق بگیران، بعنوان مهم ترین سرمایه آنان، نه فقط برای کسب دست آوردهایی در چهارچوب وضعیت کنونی بلکه به مثابه اهرم کار آمدی برای مداخله در حوادث بزرگی خواهد بود که جامعه ما آستان آن است. و اگر بپذیریم که همبستگی نه با سخنرانی اندر فواید آن و یا با اندرز این و آن، بلکه در بستر مبارزه مشترک و واقعی صورت می گیرد در این صورت به اهمیت سرنوشت ساز ایجاد چنین بسترهایی در شکل گیری این همبستگی طبقاتی بعنوان مهم ترین حلقه مفقوده جنبش مزد و حقوق بگیران بهتر پی خواهیم برد.

گامی بجلو برای غلبه بر پراکندگی

پراکندگی در میان طبقه مزد و حقوق بگیر وجود دارد، اما این پراکندگی نسبی بوده و در بخش های مختلف آن متفاوت است. بعنوان مثال پرستاران به عنوان کارکنان خدماتی و حقوق بگیر بیمارستان ها از آگاهی و تشکل نسبتاً خوبی برخوردارند. جمعیت وسیع معلمان نیز با جایگاه حساسی که در پیوند با جوانان و حاکمیت مذهبی دارند، بعنوان مزدو حقوق بگیران در مبارزه دائم با حاکمیت قرار داشته و از قدرت تجمع و همبستگی نسبتاً مطلوبی برخوردارند. اما متأسفانه کارگران و کارکنان واحدهای بزرگ صنعتی علیرغم کشاکش های مداوم با حکومت و یا کارفرمایان خود و باوجود داشتن سنت های درخشان و تجارب پر بار، بنا بدلیلی، در شرایط کنونی از پراکندگی بیشتری رنج می برند. علاوه برحلقات فوق، تشکل های معطوف به صنوف گوناگون و ریشه دار نیز کم نیستند. اگر بپذیریم که پیشروی بجلو تنها می تواند از وضعیت واقعی و پایه هایی که بطور عینی وجود دارند آغاز شود، در اینصورت در راستای ترمیم حلقه مفقوده اصلی، یعنی تقویت همبستگی بین لایه های مختلف طبقه بزرگ مزد و حقوق بگیران، لازم است که آنها در یک حرکت ترکیبی و دوگانه یعنی هم در سطح افقی به ایجاد پیوند مابین بخش های مختلف مزد و حقوق بگیران و در وهله نخست میان متشکل ترین و آگاه ترین بخش ها که در بالا بدان اشاره شد- مبادرت ورزند و هم در سطح عمودی (تقویت پیوندهای صنفی و رسته ای) بویژه در آن بخشی که

با پراکنندگی بیشتری مواجه هستند. دو اقدام فوق بهیچ وجه در برابر یکدیگر قرار نداشته و برعکس مکمل هم بوده و می‌توانند موجب تقویت همدیگر شوند.

گام نخست، برقراری گفتگو و بحث آزاد حول مشکلات و تبادل تجارب، ارزیابی شرایط عمومی حاکم بر محیط‌های کار و یافتن نقاط اشتراک در میان مطالبات بخش‌های مختلف و تنظیم چگونگی برخورد با تشکل‌های وابسته به جناح‌های رژیم و... در میان خود کارگران است. فراهم‌سازی این‌گونه گفتگوهای چندجانبه بصورت علنی و بدون از تشریفات رسمی می‌تواند با تدارک مرکز یا مراکز برای تجمع مشترک صورت گیرد. بدیهی است که چنین تجمع و یا تجمعی می‌تواند در روند تکوین خود به عنوان هم‌ظرفی برای گفتگو و هم‌ظرفی برای همگرایی‌ها و همکاری‌های ممکن، ضروری، پرتحرک و بدون از غلطیدن به ورطه پلاتفرم‌گرایی‌های انتزاعی و با تأکید بر خصلت جنبشی تا سازمانی صورت گیرد. فعالین کارگری خود، بیش از هرکس دیگری بدلیل داشتن تجربه و آشنائی به سوراخ‌سنبه‌های نظام حاکم، شایستگی طراحی و موجودیت بخشیدن به چنین مراکز را که بتواند از گزند تهاجم رژیم در امان بماند، دارا هستند.

گرچه بخش‌های مختلف مزد و حقوق بگیران دارای مطالبات خودیژه‌ای هستند که نمی‌توانند و نباید نادیده گرفته شوند. اما در شمار زیادی از مطالبات اصلی چون دستمزد متناسب با تورم و علیه اخراج و بیمه بیکاری و حق تشکل و مقابله با سیاست‌های ضد کارگری دولت و موارد مشابه، دارای منافع مشترکی هستند. کشف اهمیت همکاری حول این‌گونه مطالبات مشترک توسط خود مزد و حقوق بگیران، امید و توان تازه‌ای به جنبش کارگران، معلمان، پرستاران و در یک کلام به همه مزد و حقوق بگیران، لشکر بزرگ بیکاران و همه زحمتکشان بخشیده و برطنین صدای آنان خواهد افزود.

بی‌گمان در شکل‌گیری و راه‌اندازی این مرکز یا مراکز تجمع مشترک و مستقل و تشویق و متقاعد ساختن بخش‌های مختلف جنبش مزد و حقوق بگیران به شرکت در آن، نقش آگاهان و پیشروان متعلق به هرکدام از این بخش‌ها، مهم و تعیین‌کننده است.

علاوه بر آن روشنفکران و بویژه جنبش دانشجویان دمکرات و مدافع مطالبات زحمتکشان، می‌توانند در دامن زدن و تقویت پیوند بخش‌های گوناگون جنبش‌های اجتماعی بایکدیگر و ایجاد تریبون‌های گفتگو نقش شایسته و مؤثری داشته باشند. و در همین راستا نیروهای مدافع زحمتکشان و جنبش‌های اجتماعی در خارج کشور نیز می‌توانند به نوبه خود با توجه به تجارب و امکاناتی که در شرایط خارج کشور قابل دسترسی است، مبادرت به ایجاد تریبون‌ها و رسانه‌هایی نیرومندی برای تقویت این همبستگی و بازتاب دادن تجربیات و صدای زحمتکشان داخل کشور نمایند.

6.11.03 برابر با 15 آبان 82

"اتحاد کارگران و مزد بگیران علیه بیکاری ضرورتی حیاتی است"

علی دماوندی

امنیت شغلی مدتهاست که دیگر در ایران اسلامی برای کارگران و مزدبگیران کشور وجود ندارد. میلیون‌ها کارگر و مزدبگیر در کارگاه‌ها و واحدهای زیر ده نفره رسماً از هر گونه حمایت قانونی کنار گذاشته شده‌اند. کارگران فصلی، کارگران ساختمانی، کارگران قالی باف، کارگران نانو و... هرگز امنیت شغلی و مزایای برسمیت شناخته شده دیگر کارگران را نداشته‌اند. و این در حالیست که در 25 سال گذشته، که حکومت اسلامی در ایران استقرار یافته است معیارهای ایدئولوژیک و سیاسی و امنیتی و اطلاعاتی، همواره مبنای استخدام و به کارگیری نیروی کار و متخصص کشور بوده است. به همین خاطر هم بود که در سالهای آغازین استقرار حکومت اسلامی، صدها هزار کارگر، کارمند، معلم و فرهنگی کشور به دلایل سیاسی و ایدئولوژیک اخراج شدند و برای بسیاری از شغل‌ها و کارها، ملاک‌های اسلامی و کنکاشها و جستجوهای اطلاعاتی و امنیتی معیار قرار گرفت و بدین طریق بسیاری از مردم را از داشتن شغل و کار مناسب با توانایشان محروم کردند.

اینک علاوه بر این معیارهای اسلامی و ایدئولوژیک و نزدیکی به دستگاه‌های دولتی و مذهبی، برای توده کارگر و مزدبگیر کشور، معیارهای بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول نیز افزوده شده است. یعنی علاوه بر یکه تازیهای تجار و آقازاده‌ها و روحانیون بورژوا، "اصلاح ساختار صنایع"، "تبدیل نیروی کار" برای سودآورکردن انتقال به بخش خصوصی نیز به این معیارها اضافه شده است. کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی کشور به آقازاده‌ها و تجار و نزدیکان دستگاه دولتی و روحانی و اگذار میشود و پس از چندین ماه، نپرداختن حقوق و دستمزد کارگران، صاحبان جدید این واحدها، کارگران را اخراج و باز خرید می‌کنند.

در این رابطه است که تنها در چند ماهه گذشته، سه هزار کارگر در شهر قزوین باز خرید شده‌اند؛ بانک صنعت و معدن دستور اخراج کارگران شرکت‌های تابعه را صادر کرده است؛ 600 کارگر شرکت خدمات و پشتیبانی وزارت نفت، پس از انحلال، بیکار شده‌اند؛ به این آمار می‌توان پانزده هزار کارگر شاعل در صنایع نساجی در اصفهان، سی هزار کارگر در تهران، 5 هزار کارگر در گیلان و... را اضافه کرد که با اخراج و یا در آستانه اخراج و بیکاریند. مقامات حکومتی اعتراف می‌کنند که با واگذاری صنایع به بخش خصوصی و سیاست اصلاح ساختار صنایع، حدود یک میلیون و هشت صد هزار از کار بیکار شده‌اند. تهران، گیلان، مازندران، خراسان، اصفهان، خوزستان، همدان، کرمانشاه، کردستان، کرمان و... هیچ کجای این کشور از این هجوم لجام گسیخته در امان نمانده است. ویرانی صنایع و واحدهای تولیدی کشور و رها ساختن کارگران آنها به سیاستی رسمی و دائمی تبدیل شده است. در حالی که دولت موظف به ایجاد تأمین شغل و کار برای نیروهای انسانی کشور است؛ سیاست حکومت اسلامی همین نیروهای انسانی را که در کارخانه‌ها، ادارات و مراکز تولیدی و خدماتی هستند، مشمول طرح تعدیل قرار داده و از کار اخراج می‌کند. اخراج و تعدیل نیروها در مراکز و کارخانجات دولتی

و غیر دولتی روند سریعی به خود گرفته و پس از بیکار سازی یک میلیون و 800 هزار کارگر، اینک کارگران صنایع نفت و پتروشیمی و ماشین‌سازها در معرض تهاجم قرار گرفته‌اند.

این در حالی است که روند ایجاد شغل در کشور آهنگی بشدت کند دارد و این در شرایطی است که سالانه 700 هزار نیروی جوان به بازار کار وارد می‌شوند. آمار منتشره از سوی سازمان مدیریت و برنامه ریزی در سال 81 نشان می‌دهد که 41/4 درصد از رقم کل بیکاران کشور را بیکاران با تحصیلات بالای دیپلم، از فوق دیپلم تا دکترا تشکیل می‌دهند. این سازمان پیش‌بینی می‌کند که رقم بیکاران تحصیل کرده در پایان سال 82 به 42 درصد خواهد رسید. به گفته صفر حسینی وزیر کار و امور اجتماعی رژیم، بین گروه‌های سنی 22 تا 29 سال از هر سه ایرانی، یک نفر بیکار است. به گفته وی اگر نرخ رشد اقتصادی به بیش از 8 درصد نرسد تعداد بیکاران ایران ظرف چند سال آینده به بیش از 5/5 میلیون نفر خواهد رسید و این در حالی است که پیش‌بینی‌های سالانه برای 800 هزار فرصت شغلی، مطلقاً به انجام نرسیده است. بر اساس آمارهای انتشار یافته، حدود 52 تا 53 درصد جمعیت ایران زیر 20 سال است و حدود 43 درصد آنها زیر 15 سال هستند. یعنی نزدیک به 36 میلیون نفر جمعیت کشور زیر رده سنی 20 سال قرار دارد. بر اساس پیش‌بینی‌های خوش‌بینانه محاسبات جمعیتی رقم بیکاری به 6/5 تا 7 میلیون در چند سال آینده خواهد رسید. این در حالی است که بنا به آمارهای انتشار یافته 16/3 درصد جمعیت فعال کشور بیکارند. نزدیک به 15/17 درصد فارغ‌التحصیلات دانشگاهی بیکار هستند، بطوریکه 46 هزار مهندس کشاورزی بیکار و علاوه بر آن 23 هزار دکتر، ماما و پرستار، بیکار در کشور وجود دارد.

این وضعیت است که همه از انفجار و بحران اجتماعی صحبت می‌کنند، هر کس از زاویه‌ای؛ اما همه بر وجود بحران صحنه می‌گذارند و بر آن تأکید می‌کنند. 4 میلیون معنای که بیش از نیمی از آنان بیکارند. 5/5 میلیون دختر مجرد و 3/5 میلیون پسر مجرد که در خانه‌های پدرو زندگی می‌کنند و قادر به تأمین حداقل‌های زندگی خویش نیستند.

فقر و تنگدستی، خودکشی، تلاشی خانواده‌ها، ناامنی اجتماعی و... همه پیامدهای بیکاری میلیونی در کشور ماست. و درد آور آنکه هزینه تمام این مشکلات و مصائب را توده کارگر و مزد بگیر می‌بایست بپردازد. میلیونها کارگر و مزدبگیری که از حداقل حقوق و امنیت شغلی و اجتماعی بی‌بهره‌اند و بخاطر سیاست حکومت اسلامی و سردمداران آن، که "تجارت را بهتر می‌فهمند" و با واردات گسترده کالاها و محصولات از کشورهای مختلف، کارخانه‌ها را به ورشکستگی می‌کشاند و توده کارگر و زحمتکش کشور را بدون بهره‌مندی از بیمه بیکاری مکفی، از کار اخراج می‌کنند.

دیر زمانی نیست که سیاست تعدیل و اصلاح ساختار، صنایع نساجی را در بر گرفت و دهها هزار کارگر این صنایع را از کار بیکار ساخت؛ اینک صنایع نفت و پتروشیمی در دستور سازمان دهندگان سیاست تعدیل قرار گرفته است. نگرانی ناشی از احتمال بیکاری و گرفتار شدن در گردونه فقر و تنگدستی، صدها هزار کارگر صنایع و واحدهای تولیدی کشور را بشدت هراسان و وحشتناک کرده است. اعتراضات کارگری در ماهها و هفته‌های گذشته، دقیقاً بیان اعتراض و هراس از موقعیتی است که کارگران ایران با آن مواجه‌اند. این اعتراض و خشم است که همه را به تکرر واداشته است.

همه از انفجار و بحران صحبت می‌کنند و در باره آن به بحث پرداخته‌اند. اما علیرغم همه بحث‌ها و هشدارها در رسانه‌های حکومتی و ارگانهای قانون‌گذاری و اجرایی بحث دستگاه دولتی و امنیتی، بحث امنیت و کنترل بحران است تا جویگویی به خواست کارگران و رها سازی سیاست خصوصی‌سازی و سیاست تعدیل اقتصادی و رسیدگی فوری به صدها هزار کارگری که در آستانه بیکاری و اخراج قرار گرفته و میلیونها نفری که در فقر و تنگدستی غوطه‌ورند و قادر به تأمین اصلی‌ترین مایحتاج ضروری زندگی خود و خانواده‌هایشان نیستند.

واقعیت اینست که سیاست اخراج و بیکار سازیها، با مسئله سیاست خصوصی‌سازی گره خورده است. برای سود آوردن کارخانه‌ها و مراکز تولیدی و خدماتی، اولین دستور العمل کارفرمایان و دولت، حذف حقوق و مزایای کارگران است؛ فشار افزون‌تر بر نیروی کار و اخراج کارگران است. سیاستی که با استفاده از موقعیت بی‌حقوقی کارگران، نبود حق بیمه بیکاری، نبود تشکل مستقل کارگران و مزد بگیران، به پیش برده می‌شود و مقاومت‌های پراکنده کارگران را در هم می‌شکند. به این لحاظ گسترده شدن تهاجمات حکومتی به حق کار و امنیت شغلی کارگران ایران، از طریق به حراج‌گذارن کارخانجات و صنایع اصلی کشور، خصوصاً نفت و پتروشیمی، شرایط تازه‌ای آفریده شده است. شرایطی که می‌تواند از یکسو طبقه کارگر ایران را به شکلی بشدت وحشتناک به عقب راند و تمامی دستاوردهای مبارزاتی آنرا تصاحب کند؛ یا اینکه می‌تواند بخاطر موقعیت ویژه کارگران نفت و پتروشیمی و تجربه طولانی آنان در مبارزه برای حقوق کارگری و موقعیت بی‌نظیر نفت و پتروشیمی در اقتصاد ایران، رژیم اسلامی را به عقب راند و سیاست خصوصی‌سازی را به شکست کشاند.

به همین خاطر است که مبارزه متحد کارگران علیه خصوصی‌سازی و بیکار سازی‌ها اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا کرده است. مبارزه برای حق کار، امنیت شغلی، ممنوعیت اخراج، بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد آماده‌بکار، افزایش دستمزدها و پرداخت فوری و بی‌قید و شرط تمام دستمزدهای عقب افتاده، حق تشکل و اعتصاب اینک به خواست همه کارگران و مزدبگیران کشور تبدیل شده است. اینک تنها کارگران نساجی کاشان، بهشهر و ری نیستند که در معرض اخراج و بیکاریند؛ اینک تنها کارگران شاعل در شرکتهای تابع بانک صنعت و معدن، راه و ترابری و صنایع مصرفی نیستند که در معرض اخراج و بی‌حقوقی کامل قرار دارند؛ اینک تنها کارگران کارگاههای زیر پنج و ده نفره نیستند که بی‌قانونی کامل بر آنان حاکم است، بلکه اینک کارگران نفت و پتروشیمی و دیگر کارگران و مزدبگیران کشور، در همه صنایع و مراکز تولیدی و خدماتی نیز در معرض این حمله و هجوم غیر انسانی قرار گرفته‌اند. ویروس بیکارسازی و اخراج همه جا را فرا گرفته است. تنها و تنها مبارزه متحد کارگران و مزدبگیران کشور است که می‌تواند با این ویروس مقابله کند. این یک ضرورت فوری و عاجل است که همراه با همه کارگران و مزدبگیران کشور، زنان، مردان، بیکاران، جوانان، علیه این سیاست ضد کارگری و ضد انسانی به اعتراض بر خیزیم. برای یک زندگی انسانی در رفاه و آسایش برای در هم شکستن دایره اخراج و بیکاری و فقر و مسکنت، می‌بایست به میدان در آئیم. نگذاریم

که سیاست ضد انسانی اخراج و بیکار سازی، تحمیل فقر و تنگدستی بر زندگی پیروز شود با وارد کردن نیروی متحدمان و حمایت از مبارزات همدیگر، با بر پا کردن انجمن ها و گروه های اعتراض در سطح کارخانجات، ادارات، مراکز تولیدی و خدماتی، در سطح محلات و با مشارکت گسترده زنان و جوانان و بر پایت تحسن ها و اعتراضات پایدار سیاست بیکار سازی و اخراج را در هم شکنیم و پرچم کار، نان، آزادی و عدالت را بر افرازم. 2003/11/4

* مراسم سالگرد درگذشت صفرخان با یورش عوامل سازمان اطلاعات رژیم مختل شد

راس ساعت 3 بعد از ظهر روز جمعه مراسم سالگرد درگذشت صفر خان قهرمانیان با حضور بیش از ده هزار نفر در امامزاده طاهر کرج آغاز گردید. اما تا ساعت 3 و 20 دقیقه تعدادی اخلاکگر که تنی چند از آنها عناصر شناخته شده اطلاعاتی رژیم بودند سعی کردند با طرح شعارهای پان ترکیستی مانع برگزاری مراسم گردند. سرانجام مراسم در ساعت 3 و 20 دقیقه با قرانت پیام ناصر زرافشان توسط فریبرز رئیس دانا افتتاح شد و سپس مادر لطفی (مادر انوشیروان لطفی که در دهه 60 توسط جمهوری اسلامی اعدام شد) شروع به خواندن پیام خانواده های شهدا کرد. پس از چند لحظه عوامل اطلاعاتی رژیم که در پوشش پان ترکیستها و تحت علامت گرگهای خاکستری عمل می کردند به مادر لطفی حمله کرده و میکروفن را از وی گرفتند. مراسم بدین گونه در امامزاده طاهر قطع گردید ولی شرکت کنندگان در مراسم به خانه صفرخان رفته تا یاد عزیز این مبارز چپ و اسطوره مقاومت در زندانهای رژیم پهلوی را گرامی بدارند.

متن پیام گروهی از هم بندان صفرخان به مراسم بزرگداشت وی

گرامی باد یاد صفرخان قهرمانی،
آنکه همگان را پایداری می آموخت!

ما از این اسطوره مقاومت آموختیم که هنگامی که انسان خواست به يك حکومت استوار بر شلاق و زندان، «نه!» بگوید، باید بدانند از زندانی شدن گریزی نیست!
ما از این استوار مرد زندان آموختیم که با پا برجا ماندن در زندان، همچنان مظهر «نه» به زندانبان باشیم و هر يك سندی شویم علیه حکومت زور!
و ما از این صخره ایستادگی آموختیم که هیچگاه نباید امید به فروریزی دیوارهای زندان و آزادی زندانیان سیاسی را از دست داد و باید باور داشت که حرف آخر را مردم خواهند زد!
این آموزش ها را آموزگاری می آموخت که جان و جوانی خویش را پشتوانه آنها قرار داده بود؛ آموزنده ای که، خود سی سال تمام به آموزه های خود پایبند ماند؛ قهرمانی که، سخت ترین دوره های سیاسی را به صلابت پشت سر نهاد و بدترین زندان ها را به تلخی زیست؛ و رنجبر بپا خاسته ای که، عنوان بزرگ خان را بر بستر سی سال پایداری اش از هزاران هم بند خود گرفت.
درس های خان زجرکش و فروتن ما، بسیار ساده و در همانحال بس ژرف بود. او می گفت زندان سیاسی و زندانی سیاسی، نشانه نبود آزادی و علامت برپایی حکومت زور است. صفر خان، این آموزه را هنگامی که در زندان شاه بود گفت؛ و همان را آنگاه که در جمهوری اسلامی شاهد توسعه زندان های سیاسی شد، تکرار کرد.
خان، سی سال تمام از تازیانه هایی که بر تن هم بندان او فرود می آمد، رنج فراوان برد و از مشاهده تداوم این زجرهای طاقت فرسا در بیست سال آخر زندگی اش، به بزرگترین نتیجه گیری حیات پردردش دست یافت:
نه تنها، آزادی زندانبان سیاسی، که حذف هر نوع زندان سیاسی!
نه فقط، قطع شکنجه و ارباب، که ممنوعیت بی قید و شرط هر نوع فشار و شکنجه!
و نه تنها، تلاش برای رهایی محکومین سیاسی به اعدام، که لغو مجازات اعدام!
و ما هم بندان این سترگ مرد پرآوازه، یاد بزرگ او را با تکرار همین جمع بست ژرف و بزرگ وی از تحمل و مشاهده شصت سال شکنجه، اسارت و اعدام گرامی می داریم و یکبار دیگر نام جاودانه این سپیدموی پایداری و ایستادگی را تکرار می کنیم: صفرخان قهرمانی!
و به نام دهها هزار زندانی سیاسی ایرانی در حکومت شاه و حکومت جایگزین آن، به این سمبل جاودانه زندانی سیاسی درود می فرستیم.

محمد آندگر، ابراهیم آوخ، باقر احمدزاده، فریدون احمدی، یوسف اردلان، جواد اسکویی، محمد اعظمی، رضا اکرمی، اصغر ایزدی، احمد بناساز نوری، یدالله بلدی، غنی بلوریان، علی پورنقوی، حسن جعفری، دکتر فردوس جمشیدی رودباری، دکتر محمدرضا جوشنی، ناصر جوهری، حسن حسام، علی خاوری، نقی حمیدیان، بهروز خلیق، محمد دشتی، اکبر دوستدار صنایع، ناصر رحیم خانی، فرهمند رکنی (اخوی)، ماشاء الله سلیمی، اکبر سیف، جلال شالگونی، محمدرضا شالگونی، جمشید طاهری پور، مجید عبدالرحیم پور، حسن عزیز، مهدی فتاپور، مسعود فتحی، بهزاد کریمی، حسن گلشاهی، شهاب لیبیب، سیروس ماوایی، روبن مارکاریان، مصطفی مننی، مسعود ملکی، مرتضی ملک

چهارمین تجمع اعتراضی کارگران پتروشیمی اراک برگزار شد

اعتراضات و تجمعات کارگران صنایع پتروشیمی در اراک و اصفهان و خارک همچنان ادامه دارد. در دهمین روز از شروع این اعتراضات، کارگران پتروشیمی اراک در سالن آمفی تئاتر این شرکت تجمع کرده تا مخالفت خود را با واگذاری پتروشیمی به بخش خصوصی و خارج شدن از وزارت نفت اعلام کنند. کارگران با دادن قطعنامه ای، مجدداً بر خواست کارگران پتروشیمی مبنی بر ماندن در شرکت ملی نفت ایران تأکید کردند.

گزارشات حاکیست که فرماندار منطقه نیز که از رشد اعتراضات کارگری و گسترش آن به دیگر مناطق کارگری به هراس افتاده است باحضور در اجتماع کارگران قول داد که تا یک هفته دیگر مشکلات کارگران را پیگیری کند. در پتروشیمی اصفهان نیز اعتراضات کارگری ادامه داشته و یکی از نمایندگان مجلس اسلامی با شرکت، در اعتراض کارگران قول پیگیری خواست کارگران را داده است و گفته است که قرار داد استخدامی بین کارکنان و وزارت نفت را یک طرفه نقص کرده اند و این غیر قانونی است و او از طریق مجلس و مکاتبه با وزارت نفت خواست کارگران را پیگیری خواهد کرد.

این اعتراضات که با انتشار نامه رئیس پتروشیمی مبنی بر انتقال کارگران به بخش خصوصی، از روز 5 آبانماه آغاز شده است؛ خشم کارگران پتروشیمی را برانگیخته است. علیرغم آنکه اعلام شده است که کارگران پتروشیمی به بخش خصوصی منتقل نخواهند شد اما کارگران صنایع پتروشیمی در اراک، اصفهان و خارک خواهان تضمین امنیت شغلی خویش، لغو رسمی تصمیم سازمان پتروشیمی و وزارت نفت بر انتقال کارگران پتروشیمی به بخش خصوصی هستند.

سازمان کارگران انقلابی ایران- راه کارگر از خواست و مطالبه کارگران پتروشیمی قاطعانه حمایت می کند و همه کارگران ایران، خصوصاً کارگران نفت و پتروشیمی را فرا میخواند با حمایت از خواست و اعتراض کارگران پتروشیمی از حق کار، تضمین امنیت شغلی، ممنوعیت اخراج کارگران حمایت کنند.

سازمان کارگران انقلابی ایران- راه کارگر
6 نوامبر 2003 15 آبانماه 82

" پناهجویان ایرانی را تنها نگذاریم "

"ما خواهان آزادی پناهجویان زندانی در ترکیه و انتقال آنان به کشوری امن هستیم"

صدها پناهجوی ایرانی، مدت دو سال است که در بلاتکلیفی و خطر دیپورت بسر می برند. در اعتراض به توجه کمیساریای عالی سازمان ملل در مورد رسیدگی به پرونده های آنها، بیش از 300 نفر از پناهندگان مقیم شهر وان ترکیه، در مقابل دفتر این سازمان تجمع کردند. در همین حال 15 تن از پناهجویان به نشانه اعتراض دهان خود را بخیه زده بودند. پس از 5 روز از تحصن و اعتراض پناهجویان، پلیس ضد شورش ترکیه و سازمان امنیت آن به طرز وحشیانه ای به صف تجمع کنندگان حمله کرده و آنها را بوسیله باتوم، چوب و سنگ مورد ضرب و شتم قرار دادند. پلیس ترکیه حتی به کودکان و افراد کهنسال نیز رحم نکرده و تعدادی از این پناهجویان بر اثر ضرب و شتم پلیس بیهوش شده و تعداد زیادی نیز از جمله کودکان خردسال سرو صورتشان زخمی گردیدند.

در این حمله وحشیانه تعداد 58 پناهجوی معترض دستگیر شده و روانه زندان شدند. پس از چندین روز پس از محاکمه در یک دادگاه، ظاهرآ دادگاه حق را به پناهجویان داده و حکم آزادی آنان را صادر می کند اما علیرغم این حکم، تعداد زیادی از بازداشت شدگان همچنان در زندان بسر می برند.

پناهجویان ایرانی که اساساً از فعالین سیاسی کردستان ایران می باشند خواهان :

(1) رسیدگی هر چه سریعتر به پرونده پناهجویان و فرستادن آنها به کشور ثالث.

(2) تأمین امنیت جانی پناهجویان و قانونی کردن اقامت آنها در مدتی که در ترکیه هستند

(3) تأمین هزینه مالی زندگی پناهجویان و نیازهای پزشکی آنها هستند.

سازمان کارگران انقلابی ایران- راه کارگر ضمن دفاع و پشتیبانی از خواست و اعتراض پناهجویان خواهان آنست که پناهجویان ایرانی ، که از جهنم جمهوری اسلامی گریزانند، از امنیت کامل قانونی در شهر وان و دیگر شهرهای ترکیه برخوردار شوند و سایه شوم دیپورت از سر پناهجویان برداشته شود.

می بایست پناهجویان ایرانی، به لحاظ مالی و تأمین مسکن و بهداشت توسط ترکیه و کمیساریای سازمان ملل متحد حمایت شوند. تا از موقعیت وحشتناک فقر و گرسنگی و آوارگی رهایی یابند و در این فرصت با رسیدگی فوری به پرونده های آنان و جواب دادن به پناهجویان، اقدامات لازم برای انتقال سریع آنان به کشوری امن فراهم شود.

بی شک، این حمله جنایتکارانه پلیس ترکیه به پناهجویان و زندانی کردن آنان ، برای اولین بار نبوده است. دولت ترکیه علناً و بیشرمانه باگروگان گرفتن زندگی و امنیت پناهجویان، در تلاش زورمند با رژیم جنایتکار حاکم بر ایران است؛ زد و بندی برای مبادله پناهجویان بی دفاع ایرانی در ترکیه با نیروهای پ-کا-کا که در ایران بسر می برند. دستگیری پناهجویان ایرانی و تشکیل پرونده های کامل از پناهجویان در ترکیه و ادامه مذاکرات رژیم های ترکیه و جمهوری اسلامی، بر سر تبادل نیروهای اپوزیسیون ، در ادامه سیاستی است که رژیم ترکیه سالهاست علیه پناهندگان دنبال می کند.

سازمان کارگران انقلابی ایران- راه کارگر از همه ایرانیان، سازمانهای مدافع پناهجویان و سازمانهای بین المللی مدافع حقوق انسانی دعوت می کند با تحت فشار گذاردن کمیساریای پناهندگان سازمان ملل و دولت ترکیه، از طریق دامن زدن به تظاهرات ، اکسیونها و نوشتن نامه ها و طومارهای اعتراضی، از مطالبه و اعتراض برحق پناهجویان ایرانی حمایت کند. **پناهجویان ایرانی را تنها نگذاریم.**

سازمان کارگران انقلابی ایران- راه کارگر جمعه 7 نوامبر 2003

برای دفاع از موازین حقوق بشر در ایران بپا خیزیم

دعوت گروهی از احزاب و سازمان های ایرانی به مناسبت بزرگداشت ده دسامبر، روز جهانی حقوق بشر

ایرانیان آزاده !

اکنون بیست و پنج سال است که بختک شوم استبداد دینی بر آسمان ایران سایه افکنده و هزاران کشته و زندانی سیاسی، تنها بخش کوچکی از فجایع انسانی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که به بار آورده است.

دستگیری، شکنجه، اعدام و نقض آشکار موازین حقوق بشر، دستور روز بیدادگاههای نظام اسلامی است.

اکنون با اهدای جایزه صلح نوبل به خاتم شیرین عبادی - مبارز حقوق کودکان، زنان و حقوق بشر- ایران در مرکز توجه جهان قرار گرفته است. لذا باید از این فرصت پیش آمده، در افشای سیاستهای ضد بشری نظام اسلامی به بهترین وجه استفاده کنیم.

به همین خاطر از همه شما ایرانیان می خواهیم که در مراسمی که در ماه دسامبر در همین رابطه برگزار خواهد شد، به طور فعال شرکت کنیم و شوری دیگر در اندازیم.

کمیته برگزاری آکسیون ده دسامبر
(اعتراض به نقض حقوق بشر در ایران)
برگزار کنندگان:

کمیته اتحاد عمل - نروژ متشکل از:
حزب دمکرات کردستان ایران، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران و سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
جنبش همبستگی برای آزادی و دمکراسی در ایران
سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله)
کانون نویسندگان ایران در تبعید (واحد نروژ)
حزب توده ایران
گروهی از منفردین سیاسی
سازمان جوانان کومله
اتحادیه جوانان حزب دمکرات کردستان ایران
اتحادیه زنان حزب دمکرات کردستان ایران
رادیو همصدا
نشریه آوای زن

محل و زمان دقیق برنامه‌ها در اطلاعیه‌های بعدی به آگاهی خواهد رسید.



روشنک داریوش درگذشت

روشنک داریوش، مترجم توانای کشورمان و عضو کانون نویسندگان ایران روز دهم آبان ماه در شهر مونیخ آلمان درگذشت.

روشنک داریوش در جریان احیای فعالیت کانون نویسندگان ایران فعال بود و در این رابطه هم بارها دستگیر و بازجویی شد. روشنک از ابتدای سال ۲۰۰۰ با بورس انجمن قلم آلمان (PEN) ساکن مونیخ شد و به فعالیت‌های فرهنگی ادامه داد. پس از کنفرانس برلین در سال ۲۰۰۰ که حکم جلب او هم صادر شد ناگزیر در آلمان ماند و برای آزادی شوهرش (خلیل رستم خانی) از زندان فعالیت زیادی کرد. سرانجام در ساعت ۱۱:۳۰ شنبه شب اول نوامبر در اثر تومور مغزی درگذشت. یادش همواره زنده باد.

نشریه تک برگی با اندوه فراوان درگذشت روشنک داریوش را به همسر گرامی او خلیل رستمخانی، بستگان و کانون نویسندگان ایران تسلیت می‌گوید.

ایران در آینه آمار

*نتایج تحقیق دکتر "عبدالرضا عزیزی" پزشک و درمانگر اعتیاد: متوسط سن شروع اعتیاد در ایران 24 سال است. از این افراد بیش از ۵۱ درصد بین ۲۰ تا ۴۰ سال و ۴۵ درصد زیر ۲۰ سال سن دارند.

*فخري ملك محمد: ۶۰ الي ۷۰ درصد طلاقهائي كه انجام مي‌شود مربوط به اعتياد افراد است و عدم تفاهم زوجين و دخالت افراد در روابط خانوادگي در درجه دوم اهميت قرار دارد.

*دکتر علي هاشمي، دبیرکل ستاد مبارزه با مواد مخدر: تعداد معتادان بي‌خانمان 30 تا 40 هزار نفر است

*نتایج پژوهش بر روی 555 دانش آموز دوره ابتدایی شهر رباط کریم در دانشگاه علوم پزشکی تهران: میزان آلودگی با اکسیور (عفونت روده) در دانش آموزان 38 درصد بوده است. شیوع سوء تغذیه در کودکانی که آلوده به اکسیور بودند بیشتر از سایر کودکان بود.

*حسین احمدی، مدیرکل دفتر ارزشیابی تحصیلی وزارت آموزش و پرورش: متوسط مردودی در کشور را 4/5 درصد است.

*محمد اسماعیل اکبری معاون سلامت وزارت بهداشت: ۲۱ درصد مردم ایران پس از یک بار بستری در بیمارستان به فلاکت می افتند و زندگی ۸ درصد پس از یک بار بستری در بیمارستان از هم می پاشد. در ایران ۵/۷ درصد از درآمد ناخالص ملی صرف سلامت می شود که تنها ۴۶ درصد از آن از طرف دولت تامین می شود.

*دکتر رضوانی معاون فنی مرکز بهداشت استان گیلان: در آمار ثبت شده، اولویت مرگ و میرها مربوط به بیماریهای بهداشت روان است که شامل اختلالات شدید روانی، عقب ماندگی ذهنی، خودکشی است این بیماریهای روانی 141 هزار سال عمر مردم را در 18 استان کشورمان کاهش داده است

*دکتر صابری: ر حدود ۱/۵ درصد افراد جامعه دچار اسکیزوفرنی هستند.

*دکتر "نیلوفر مهدوی" روانپزشک و کارشناس اداره سلامت وزارت بهداشت: از هر ۵ فرد بالای ۱۵ سال در ایران یک تن دچار نوعی اختلال روانی است. 21 درصد یا تقریباً ۱۲ میلیون نفر از جمعیت کل کشور دچار اختلالات روانی هستند. این رقم طیفی از بیماران خفیف تا متوسط و شدید را در بر می گیرد

*به گفته، بهناز انجذاب عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی یزد: در هر ۳ دقیقه یک مورد جدید کانسر پستان گزارش می شود و از هر ۹ نفر زن یک نفر مبتلا به این بیماری می شود، که در جامعه ما به دلیل عدم آگاهی زنان از روشهای غربالگری و حتی اهمیت این تستها، نیاز بیشتری به پرداخت بر روی موضوع است.

*رییس سازمان ملی جوانان: ۲۲/۵ میلیون از جمعیت جامعه بین ۱۵-۲۹ سال سن دارند و در سال ۸۵ این رقم به ۲۵ میلیون نفر خواهد رسید؛ یعنی ۳۳ درصد جامعه در گروه سنی جوان قرار دارند و اگر نوجوانان را هم در این آمار به شمار آوریم، ۶۸ درصد جامعه زیر ۳۰ سال سن دارند. 60 درصد جوانان خواهان پیگیری مطالبات خویش در حوزه های سیاسی هستند.

*صادقی رییس کانون عالی شوراهای اسلامی کار: آنچه که ما از خصوصی سازی عاید کشور نموده ایم 260 هزار شغل زدایی بوده تا اشتغالزایی.

*شرکت مهندسی راه و ترافیک ایران: آلودگی هوا ناشی از حمل و نقل و خسارات ناشی از تصادفات شهری در ایران سالانه حدود 400 میلیارد تومان به اقتصاد ملی ایران خسارت وارد می سازد.

*حدود 95 درصد جنگلهای ارس خراسان و بیش از نیمی از جنگلهای بلوط غرب و تقریباً تمامی اجتماعات جنگلی پسته و بادام فلات مرکزی ایران از میان رفته و سطح کل جنگلهای کشور به حدود کمتر از 12 میلیون هکتار تقلیل یافته است

* اخبار و رویدادها *

شوخی نیست، جدی است!

قاضی مرتضوی دادستان عمومی و انقلاب تهران روز گذشته در پایان دیدار با "امیبی لیگابو" گزارشگر ویژه آزادی بیان و اندیشه سازمان ملل متن شکایت خود علیه رساناهای فارسی زبان خارج از کشور را ارائه داد. بر اساس خبری که از سوی ایرنا، خبرگزاری حکومت اسلامی، انتشار یافته است ادعای مرتضوی "18 تیر و بررسی رویکردهای تلویزیونهای فارسی زبان خارج از کشور و جهت احقاق حقوق شهروندان تهران" نام دارد. در این شکایتنامه از جمله گفته شده است که رساناهای فارسی زبان در خارج از ایران مردم را تحریک به آشوب، تخریب اموال دولتی، اعتصاب و در نهایت براندازی نظام جمهوری اسلامی میکنند.

* آیا حکم اعدام افسانه نروزی لغو گردیده است؟

سایت خبری زمان می نویسد: "رادیو فردا در خبری اعلام کرد: حکم اعدام افسانه نروزی به حالت تعلیق درآمده است. اعلام مجدد این خبر باعث شد عده زیادی از مخاطبین این رسانه چنین برداشت کنند که حکم اعدام افسانه نروزی لغو شده است." این سایت می افزاید: "در تماسی که با همسر و وکیل وی داشتیم، هر دو اظهار داشتند که هنوز هیچ اتفاق تازه ای نیفتاده است." به گزارش خبرنگار سایت زمان ایران پاره ای از تحلیلگران مسائل زنان بر این عقیده اند که این خبر به این دلیل دوباره اعلام می شود تا پاسخی باشد به گفته های سخنگوی قوه قضاییه که اخیراً گفته بود: هنوز هیچ دستور رسمی برای توقف اجرای حکم اعدام افسانه نروزی صادر نشده است.

* سیزدهمین روز اعتصاب غذای پناهجویان ایرانی در بلژیک

اعتصاب غذای پناهجویان بلژیک وارد 13 همین روز خود شد. انور میرستاری اعلام کرد حزب سبزها و بخش بزرگی از سوسیالیستها از این پناهندگان حمایت کرده اند. سازمان کارگران ایران _ راه کارگر نیز از جمله سازمانهای ایرانی است که از این اعتصاب حمایت کرده اند.

* برای احیای حقوق حقه خود تجمع و راهپیمایی می‌کنیم

به گزارش ایلنا اتحادیه شرکتهای تعاونی ماهیگیران کیلکای استان مازندران طی نامه ای به موسوی لاری وزیر کشور جمهوری اسلامی خواستار دریافت مجوزی برای تجمع در برابر وزارت جهاد و کشاورزی و راهپیمایی به سوی کاخ ریاست جمهوری شدند. علت تقاضای این مجوز زیان 4/5 میلیارد تومانی است که در اثر کاهش صید حاصل از وجود نوعی موجود آبی در سال 81 متوجه صیادان کیلکای شمال شده است. در قسمتی از این نامه آمده است: " خسارت وارده به صیادان کیلکا توسط مسنولان و نهادهای کشور مورد کارشناسی قرار گرفته و پرداخت آن را تایید کرده اند و ریاست جمهوری و ریاست مجلس نیز بر پرداخت آن تاکید کرده اند که متأسفانه پس از گذشت 8 ماه هیچگونه اقدامی جهت پرداخت صورت نگرفته و کاغذ بازیهای اداری باعث بلاتکلیفی صیادان کیلکا شده است." در قسمتی دیگر از این نامه آمده است: " با توجه به اینکه درخواست 82/8/3 برای تجمع و راهپیمایی صیادان کیلکای شمال کشور مورد توجه وزارت کشور قرار نگرفت و همچنین فشارهایی که در اثر ضعف اقتصادی و عکس العمل های جانبی طلبکاران بر صیادان کیلکای شمال کشور وارد می شود، چنانکه نسبت به تعیین تکلیف و پرداخت خسارت تصویب شده اقدامی به عمل نیاید راهپیمایی روز 82/8/18 قطعی خواهد بود و از وزارت کشور درخواست داریم تا نسبت به صدور مجوز و رسمیت بخشیدن به این راهپیمایی و تجمع اقدام لازم به عمل آورند."

* تجمع کارگران اخراجی شرکت تهران قفل

جمعی از کارگران اخراجی شرکت تهران قفل واقع در شهرستان ساوجبلاغ با تجمع در مقابل اداره کار این شهرستان اعتراض خود را به تصمیمات مدیریت این شرکت اعلام کردند. به گزارش ایلنا، اخراج این کارگران بدنبال استخدام کارگران قراردادی صورت گرفته است یکی از کارگران با سابقه این شرکت گفت: برای تسریع در رسیدگی به شکایت خود از مدیر عامل شرکت تهران قفل واقع در شهر صنعتی هشتگرد به اداره کار مراجعه کرده ام. وی گفت: بعد از 20 سال کار و تلاش اینک مدیر عامل شرکت بدون هیچ علتی من و همکارانم را اخراج کرده است. کارگر دیگری که خود را 45 ساله معرفی می کرد، گفت: 26 اسفند ماه پارسال کارفرما به اداره کار ساوجبلاغ اعلام می کند که قصد دارم کارگران را اخراج کنم. از آن تاریخ ما مکرر به اداره کار مراجعه می کنیم. این کارگر اخراجی گفت: با وجود اینکه اداره کار حکم بازگشت بکار ما را صادر کرده اما مسنولان شرکت از پذیرش کارگران امتناع می کنند. کارگر دیگری می گوید که اداره کار به جای حمایت از کارگران از کارفرمایان منطقه پشتیبانی می کند.

* اجرای حکم شلاق علیه منوچهر محمدی

اتحادیه ملی دانشجویان و فارغ التحصیلان اجرای حکم شلاق علیه منوچهر محمدی را طی اعلامیه ای محکوم کرده و می نویسد: دیر زمانی است که دستگاه قضایی روال سرکوب جنبش آزادیخواهی را در دانشگاهها برگزیده است تا جانیکه جسارت و هتک و حرمت حریم علم و دانش را در نور دیده و نهایت بیدادگری را در بطن دانشگاهیان گسترانیده است. این بار منوچهر محمدی دبیر کل اتحادیه ملی دانشجویان و فارغ التحصیلان ایران به اتهامات کاملاً واهی، بی پایه و اساس که حتی بر طبق قوانین جزایی موجود قابلیت بار کفیری بر آن مترتب نیست مورد تازیانه های محاکم قضایی قرار گرفته و به اتهام اهانت به مسئولین و قوه قضائیه مورد خشم کینه توزان واقع شد. در کجا انتقاد و اعتراض به سیستم حاکمیت در يك جامعه جرم تلقی می شود و فرهیختگان آن مستوجب خشم و عقوبت می باشند؟ جای هزاران آه و فریاد است که بیدادگرهای زمان شلاق خود کامگی را به گونه های جوانان ایران فرود می آورند."

* کودکان کار در کارگاههای زیر 10 نفر را دریابید

روزنامه یاس نو از قول مسعوده مشایخ مدیر عامل انجمن حمایت از حقوق کودکان می نویسد: متأسفانه اغلب مردم تنها کودکانی را که همه روزه در خیابانها مشغول کار هستند کودکان کار محسوب می کنند در حالی که بخش اعظمی از کودکان کار بر خلاف قانون همه روزه به طور پنهانی در کارگاههای کمتر از 10 نفر از سوی کارفرماها به فعالیت سخت واداشته می شوند. خانم مشایخ می پردازد با وجود اینکه معضل کار کودکان به یکی از معضلات بزرگ اجتماعی ما تبدیل شده است ولی هنوز آمار دقیقی از تعداد واقعی این کودکان در دست نیست. وی می افزاید: متأسفانه مسنولان امر به وظایف خود در این رابطه عمل نکرده اند و هیچگونه نظارتی به عملکرد نهادهای مسنول برای برخورد با متخلفان در رابطه با بکارگیری کودکان در فعالیتهای کاری سخت وجود ندارد.

* درخواست 2 هزار کارگر برای اصلاح آیین نامه اجرایی قانون بازنشستگی پیش از موعد

2 هزار تن از کارگران شرکت ریسندگی و بافندگی کاشان که از حدود 2 سال پیش تحت پوشش بیمه بیکاری قرار گرفته اند، با ارسال نامه ای خواستار اصلاح آیین نامه اجرایی قانون بازنشستگی پیش از موعد در مشاغل سخت و زیان آور و پایان بلاتکلیفی خود شده اند. به گزارش خبرنگار سرویس کاری ایلنا در این نامه که خطاب به خاتمی نوشته شده، با اشاره به مراحل اجرایی تصویب قانون بازنشستگی پیش از موعد در مشاغل سخت و زیان آور آمده است: آنچه در روند اجرایی این قانون که با هدف ایجاد تسهیلات برای کارگران شاغل و کارهای سخت و زیان آور و بهسازی ساختار نیروی انسانی واحدهای تولیدی تدوین و تصویب شده بود مشکل ساز شده است. در بخش دیگری از این نامه ذکر شده است نگاه سخت گیرانه در تنظیم آیین نامه موجب شده تا به انحاء مختلف کارگران کمتری مشمول این قانون شوند که از آن جمله می توان به عدم احتساب مدت ایام بیمه بیکاری کارگران کارخانجاتی اشاره کرد که براساس مصوبه شورای عالی کار طرح تغییر ساختار در آن واحدها اجرا شده و نیز ایام مدت خدمت سربازی در سنوات خدمتی کارگران به عنوان سابقه در کارهای سخت و زیان آور که این موضوع برای واحدهایی نظیر ریسندگی و بافندگی کاشان که به دلیل فرسودگی ماشین آلات و تجهیزات مجبور به اجرای طرح تغییر ساختار بوده و کارگران به اجبار حداقل يك تا دو سال تحت پوشش بیمه بیکاری هستند، مشکل آفرین شده و کارگران که مشمول قانون بازنشستگی پیش از موعد هستند، به دلیل تعطیلی واحد و نحوه تنظیم آیین نامه این قانون علی رغم واجد شرایط بودن اینک باید در آتش تبعیض و برخی تنگ نظری ها بسوزند و صدایشان در نیاید.

* 4 کارخانه تولید ماکارونی در بروجرد در حال تعطیلی هستند

سال گذشته 7 کارخانه تولید ماکارونی در بروجرد فعال بودند که در حال حاضر 4 کارخانه در تعطیلی و ورشکستگی کامل به سر می برند. به گزارش

خبرنگار ایلنا، مجید مدیری مدیر عامل زاگرس ماکارون بروجرد گفت: در اردیبهشت سال جاری، آرد را با قیمت 180 تومان تحویل کارخانه داده و پس از یک ماه قیمت آن را به 140 تومان کاهش دادند که در نتیجه این کاهش خریداران ماکارونی به کارخانه مراجعه و درخواست دریافت تفاوت قیمت آرد را کردند و این امر باعث شد تا کارخانجاتی که توان بازپرداخت این مبلغ را نداشتند، به یکباره دچار بحران شده و با ورشکستگی روبرو شوند. وی گفت: زاگرس ماکارون در اثر سیاستهای غلط دولت در قیمت گذاری مجبور به اخراج 12 کارگر خود شد که این در سطح سایر کارخانجات قابل توجه می باشد.

وی افزود: دولت اعلام کرده بود ما به التفاوت قیمت آردها را مسترد خواهد کرد و کارخانجات به امید جبران خسارت به فعالیت خود ادامه می دادند و تنها در این چرخه غیر عادلانه کارخانجات بزرگ توانستند سر پا بایستند.

مدیری گفت: کارخانه زاگرس ماکارون تنها با پشتکار و فعالیت جدی کارگران که خواهان ادامه فعالیت کارخانه بودند سرپا مانده است و در غیر اینصورت این کارخانه نیز همچون سایر کارخانجات از چرخه تولید خارج می شد. مدیری با اشاره به شرایط سخت تولید در کارخانه ماکارونی گفت: دمای کارخانه در حدود 50 درجه است و

رطوبت آن بالاست و به همین دلایل بارها به تامین اجتماعی مراجعه کردیم تا بازدید از کارخانه و شرایط آن باعث شود کارگران ما از مزایای بازنشستگی مشاغل سخت و زیان آور استفاده کنند اما مراجعات ما بدون کوچکترین توجهی بی اثر مانده است و هیچکس حاضر به پاسخگویی نیست. هر بار که برق قطع می شود کارگران مجبور خواهند بود تا ساعتها در گرمخانه کارخانه برای کنترل دمای پخت ماکارونی حضور داشته باشند.

اطاق گفتمان سیاسی

کمیته اتحاد عمل برای دموکراسی در ایران برگزار میکند

موضوع: **انتلافهای سیاسی و اتحاد عمل سخنران: تقی روزبه**

از سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

یکشنبه 30 نوامبر ساعت: ۲۰ به وقت اروپا و ۲۲/۳۰ به وقت ایران

آدرس اطاق:

کمیته اتحاد عمل برای دموکراسی در ایران در سیستم پال تاک

نام سیستم paltalk

by Language/Nationity/other

iran commiteh etihad amal baray Domocraci

رادیو برابری

رادیو برابری هر شب ساعت هشت و نیم بوقت ایران (شش عصر بوقت اروپای غربی) بر روی ماهواره با مشخصات زیر برنامه پخش می کند:

Satellite: Hotbird 613East
Freq.12597 GHz
Transponder: 94
Symbol Rate :27500
Fec:3/4
CHannel :GBTS Feed ½
Right side of dual audio channel

شما میتوانید برنامه های هر روز را بصورت ضبط شده از طریق شبکه جهانی اینترنت ، در آدرس زیر نیز گوش دهید:

www.radiobarabari.net

با ما تماس بگیرید.
سر دبیر تکبرگی:
arash@funtrivia.com

تلفن عمومی سازمان: 0049406777819

شماره فکس سازمان: 003314345802
آدرس سایت راه کارگر:
www.rahekargar.net

سایت اتحاد چپ کارگری:
www.etihadchap.com

صندوق پستی سازمان:
BP 195
75563 Paris Cedex 12 France

